

## عقدہ ی اودیپ، نظام مادر سالاری، و آیین شاہ کشی

از دکتر عباس احمدی

جناب آقای علی محمد طباطبایی، در مقاله ی عالمانه ی اخیرشان در سایت خیری گویا به نام «نگاهی انتقادی به عقدہ ی اودیپ، بخش ۳» ایراداتی منطقی به مقاله ی ناچیز این بنده در مورد عقدہ ی اودیپ و آیین شاہ کشی و نظام مادر سالاری گرفته اند. در مورد فریود باید عرض کنم کہ ہزاران ہزار مقاله در تائید و تکذیب فرضیہ های ایشان تاکنون منتشر شدہ است و علاقمندان می توانند بہ این منابع مراجعہ کنند و بنده در این مورد عرضی ندارم. اما در مورد ایراداتی کہ بہ نظام مادر سالاری گرفته اند، ابتدا تاریخچہ ی این فرضیہ را بہ طور مختصر ذکر می کنم. سپس، نشان می دہم کہ این مطلب متعلق بہ بحث وسیع تری بہ نام «خویشاوندی» است. بعد از آن، نظریہ پردازان پدیدہ ی خویشاوندی را بہ طور اجمالی معرفی می نمایم. سرانجام، رد پای این نظام را در آیین شاہ کشی نشان می دہم.

### ۱ - نظام مادر سالاری

از نظر علمی، نظام مادر سالاری یا «مات - ری - آرکی» (Matriarchy) یک نظام اجتماعی است کہ در آن قدرت سیاسی و خانوادگی در دست زنان است. فرضیہ ی نظام مادر سالاری را مردم شناسانی مطرح می کنند کہ تحت تاثیر داروین و فرضیہ های او در بارہ ی سیر تکامل انسان می باشند. این مردم شناسان فرضیہ های داروین را کہ در مورد تکامل زیست شناختی انسان است می گیرند و آن را بہ سیر تکامل فرهنگی انسان تعمیم می دہند. بہ این مردم شناسان در زبان انگلیسی «ا.و.و. - لو. - شنیست» (Evolutionist) می گویند کہ بہ زبان ما می شود «مردم شناسان پیرو مکتب اصالت تکامل». اینان، تکامل فرهنگی انسان را دنبالہ ی تکامل زیست شناختی انسان می دانند. این دانشمندان معتقدند کہ بشر در سیر تکامل فرهنگی خود از سه مرحلہ عبور کردہ است: در مرحلہ ی اول، بشر بہ طور گلہ وار زندگی می کردہ است و زن و مرد، آزادانہ، با ہم جفتگیری می کردہ اند. در مرحلہ ی دوم، نظام مادر سالاری بہ وجود آمدہ است. در این نظام، قدرت سیاسی در دست زنان بودہ است. سرانجام در مرحلہ ی سوم، نظام مادر سالاری جای خود را بہ نظام پدر سالاری دادہ است. در نظام پدر سالاری، قدرت سیاسی در دست مردان است.

یکی از این دانشمندان پیرو این مکتب، پژوهشگری است به نام پرفسور «با - چو - فن» ( Bachofen) که یکی از پرآوازه ترین مردم شناسان خطه ی سویس است. ایشان کتابی دارد به نام «حق مادر» (Das Mutterrecht, 1861) که یکی از کتاب های پایه در رشته ی مردم شناسی است. در این کتاب، پرفسور «با - چو - فن» بر پایه ی تحقیقات مفصل خود، برای اولین بار، به طور علمی نشان داده است که در سیر تکاملی انسان، حق مادر برحق پدر مقدم بوده است. یعنی، قبل از آن که حق پدر عالمگیر شود، مرحله ای بوده است که در آن مرحله، حق مادر راجح داشته است. این مرحله را دوره ی مادرسالاری می گویند. پرفسور «با - چو - فن» مطالعات وسیعی دارد و بیشتر فرهنگ های بشری را مورد مطالعه و کند و کاو قرار داده است و مدارک و شواهد زیادی برای اثبات فرضیه های خود ارایه می نماید.

## ۲ - خویشاوندی

مساله ی «حق مادر» و نظام «مادر سالاری» یکی از شاخه های مبحث وسیع تری به نام پدیده ی خویشاوندی یا «کین - شپ» (Kinship) است. در مورد پدیده ی «خویشاوندی» سه فرضیه مهم وجود دارد: یکی فرضیه ی مارکسیستی انگلس (Engels)، دوم، فرضیه ی روانشناختی فروید (Freud)، و سوم فرضیه ی سوسو بیولوژیکی «وان . دین - بر - گن» ( Pierre L. van den Berghe) .

## ۲-الف- فرضیه ی انگلس

انگلس (Engels)، دوست و همکار کارل مارکس، بنیانگذار مارکسیسم، در سال ۱۸۸۳ یعنی یک سال پس از مرگ مارکس، کتاب «منشاء خانواده، مالکیت خصوصی، و دولت» را منتشر کرد. انگلس در این کتاب بشدت تحت تاثیر یکی از مردم شناسان پر آوازه ی آمریکایی به نام «لوئیس هنری مورگان» (Lewis Henry Morgan) و مخصوصا کتاب مهم ایشان به نام «جامعه ی باستان» (Ancient Society, 1877) می باشد. به عقیده ی انگلس، اجتماع بشری از «نظام اشتراکی اولیه» آغاز شده است. این نظام بسیار شبیه به مرحله ی اول در فرضیه ی مادر سالاری است. در این مرحله، مردم به صورت گله زندگی می کردند و آزادانه با هم جفت گیری می کردند. یعنی پسر با مادر و دختر با پدر و برادر با خواهر جفت گیری می کردند. در این دوره کشاورزی و دامداری هنوز به وجود نیامده بود و مردم از راه شکار جانوران و گردآوری میوه و ریشه ی گیاهان زندگی می کردند. جفتگیری آزادانه ی زنان و مردان باعث بوجود آمدن پدیده ی «مادر تباری» شد. زیرا در این جفتگیری های گروهی و گله ای، معلوم نبود که چه کس پدر چه کسی

است. اما هرکس می دانست که مادر او کیست و چه کسی او را زاییده است. در این دوره ، «مادر تباری» دارای نقش اصلی بود و در خانواده قدرت اصلی در دست زنان بود. این دوره بسیار شبیه به دوره ی دوم در نظام مادر سالاری به روایت مکتب اصالت تکامل است. در این دوره، هر زن چندین و چند شوهر داشت و با مردان زیادی همبستر می شد. می توان این دوره را دوره ی «چند شوهری» نامید. گه گاه، گروهی از مردان به قبیله های همسایه حمله می کردند و گروهی از زنان را به غنیمت می گرفتند. بر اثر این شیخون ها، یک مرد برای جفتگیری چندین زن در اختیار داشت و نمی گذاشت مردان دیگر با زنان او آمیزش کنند. در نتیجه، فرزندان او می دانستند که پدرشان کیست و کم کم نظام «پدر تباری» جای نظام «مادر تباری» را گرفت. نظام «پدر سالاری» به جای نظام «مادر سالاری» نشست. و نظام «چند زنی» جای نظام «چند شوهری» را گرفت. از بقیه ی مطالب کتاب انگلس به خاطر اطاله ی کلام صرف نظر می کنم و علاقمندان را به اصل کتاب که به ترجمه ی فارسی نیز در آمده است ارجاع می دهم. تا این جا نشان دادیم که حداقل سه نفر یعنی «با - چو - فین» و «انگلس» و «مورگان» به ایده هایی به نام مادر تباری، حق مادر، و مادر سالاری معتقد می باشند. و به تبع اینان، صدها پژوهشگر دیگر هم هزاران کتاب و مقاله در این باره منتشر کرده اند. بنابراین، ادعای این که نظام مادر سالاری جایی در تحقیقات علمی ندارد و این نظام یک نوع خیالبافی و افسانه سرایی است، چندان با واقعیات وفق نمی دهد. اگر کسی هم ادعایی در این مورد دارد، باید حداقل سه کتاب «حق مادر» و «جامعه ی باستان» و «منشاء خانواده، مالکیت خصوصی، و دولت» را از نظر علمی مورد بررسی قرار بدهد و در مقابل کوهی از شواهد و مدارک و اسناد تاریخی و فرهنگی که از چهار گوشه ی دنیا در این کتاب ها ارایه شده است، مستندات و مدارک خود را مطرح کند.

## ۲ - فرضیه ی فروید

یکی دیگر از نظریه پردازان پدیده ی «خویشاوندی» فروید است. فروید معتقد بود که دوره ی اولیه در عصر توحش و دوره ی کودکی در عصر تمدن مشابهت های زیادی با یک دیگر دارند. در دوره ی اولیه در عصر توحش، همان طور که در کارهای «با - چو - فین» و «انگلس» و «مورگان» دیدیم، زنان با محارم و جفت گیری با محارم رواج داشته است. در این دوره پسر با مادر و دختر با پدر جماع می کرده است. فروید معتقد است که کودکان امروزی به خصوص پسر بچه ها در سنین سه تا پنج سالگی بسیار شبیه به مردان و زنان در دوره ی اولیه ی عصر توحش اند. او آزادی های جنسی دوره ی اولیه ی زندگی گله وار را از ژرفنای تاریخ به حیاط خلوت خانواده ها ی امروزی می

آورد و نشان می دهد که همان انگیزه های زنانی با محارم که در آن دوره در نزد وحشیان غارنشین وجود داشت در روح و روان کودکان امروزی به شدت خود نمایی می کند. فروید با هوش سرشاری که داشت دریافت که در عصر حاضر، یک چیز در تمام جوامع بشری مشترک است و آن ممنوعیت و تابوی «زنانی با محارم» می باشد. یعنی همه جا، زنانی پسر با مادر و زنانی دختر با پدر حرام و ممنوع و گناه می باشد. از این مقدمه او نتیجه گرفت که این ممنوعیت برای آن به وجود آمده است که جلوی تمایل طبیعی انسان را بگیرد. و مخصوصاً نگذارد تا پسر ها با مادر خود جفتگیری کنند. زیرا، زنانی با محارم باعث اغتشاش در جامعه می شود. بزرگترین سهم فروید در روانشناسی همین کشف منشاء و ریشه ی تابو های جنسی می باشد. فروید معتقد بود که در دروره توحش، پدر بر گله ای از زنان حکومت می کرده است و پسران خود را با حسادت شدید از این گله بیرون می رانده است تا مبادا این پسران با زنان او جفتگیری کنند. بنا بر نظریات فروید، این پسران با یک دیگر دست به یکی می کردند و به پدر خود حمله می کردند و او را می کشتند و او را می خوردند و با زنان او جفت گیری می کردند. اما، این برادران، پس از کشتن پدرشان، رقیب یک دیگر بودند و دایماً بر سر جفتگیری با زنان پدر مرحومشان با یک دیگر می جنگیدند. این وضع نمی توانست دوام بیاورد، بنابراین ممنوعیت و تابوی زنانی با محارم به وجود آمد تا جلوی این کشت و کشتار ها ی بین اعضای خانواده را بگیرد. اما، پسر بچه ها، علی رغم این تابو، در ضمیر ناخود آگاه خود، آرزو می کنند تا پدر خود را بکشند و با مادر خود جماع کنند. فروید از این پدیده تحت عنوان عقده ی اودیپ نام می برد. در فرضیه های فروید، رد پای دوره ی اول تکامل فرهنگی بشر، یعنی دوره ی «جفتگیری گروهی» و دوره ی سوم یعنی دوره ی «پدرسالاری» دیده می شود ولی از دوره ی دوم یعنی دوره ی مادرسالاری چندان خبری نیست. و اصولاً فروید، به جز چند تحلیل پراکنده راجع به زنان، کار چندانی درباره ی روانشناسی زنان و مادران و دوره ی مادر سالاری انجام نداده است و یکی از ایرادات فعالان نهضت فمینیسم به فروید همین موضوع می باشد. دنیای فروید بیشتر بر روی روانشناسی پسر بچه ها و مردها می چرخد.

## ۲ - فرضیه ی سوسیو بیولوژیکی «وان . دین - پر - گن»

پرفسور «وان . دین - برگن» (Pierre L. van den Berghe) یکی از چهار های شناخته شده ی مکتب «سوسیو بیولوژی» (Sociobiology) است. ایشان، نیز مانند مردم شناسان پیرو «مکتب اصالت تکامل»، معتقدند که سیر تکامل خانواده و سیر تکامل فرهنگ و سیر تکامل اجتماع، دنباله ی سیر تکامل زیست شناختی انسان است. به عقیده ی او تابوی زنانی با محارم نتیجه ی تکامل

داروینی و زیست‌شناختی به وجود آمده است و این موضوع، انسان را از میمون متمایز می‌کند. یعنی در طی یک دوره‌ی بسیار طولانی، انسان‌هایی که از نظر ژنتیکی از زنای با محارم متنفر بودند نسبت به انسان‌هایی که متمایل به زنای با محارم بودند، از نظر قابلیت بقا، ارجحیت یافتند و طبق اصل داروینی «بقای اصلح»، این گروه از مردمان با این ساختار ژنتیکی باقی ماندند و بیشتر و بیشتر شدند. اما، آن‌هایی که مایل به زنای با محارم بودند، به تدریج کمتر و کمتر شدند ولی بکلی از بین نرفته‌اند. یعنی، ژن غالب، ژن تنفر از زنای با محارم و ژن مغلوب، ژن تمایل به زنای با محارم می‌باشد. بیشتر مردم، دارای این ژن غالب‌اند، اما در بعضی‌ها، ژن مغلوب تمایل به زنای با محارم بروز می‌کند و این‌ان‌اند که دچار عقده‌ی اودیپ می‌شوند. به عقیده‌ی او و بسیاری از سوسیو‌بیولوژیست‌ها، پدیده‌ی «خویشاوندی و خانواده» و تابوی زنای با محارم بر اثر تکامل داروینی پیش آمده است و از نظر زیست‌شناسی در سطح ژنتیکی اتفاق افتاده است. از منظر اینان، خانواده‌ی بشری بر اثر تکامل فرهنگی پیش نیامده است. خانواده بجای آن که یک پدیده‌ی فرهنگی باشد یک پدیده‌ی ژنتیکی و زیست‌شناسی است. خیلی از کسانی که پیرو این مکتب‌اند، سرانجام به نوعی جبر ژنتیکی و زیست‌شناختی می‌رسند.

### ۳ - آیین شاه‌کشی

همان‌طور که در بالا آمد، بسیاری از پژوهشگران به فرضیه‌ی مادرسالاری معتقدند. یکی از آیین‌های دوره‌ی مادرسالاری «آیین شاه‌کشی» بوده است. یکی از کسانی که تحقیقات مفصلی در این مورد کرده است، سر جیمز جورج فریزر (Sir James George Frazer) می‌باشد. ایشان یکی از بلندآوازه‌ترین مردم‌شناسان خطه‌ی انگلستان است و کتاب معروف او یعنی «شاخسار زرین» (The Golden Bough) یکی از کتاب‌های مرجع و پایه در مورد اسطوره‌شناسی و فرهنگ و جادو و مذهب‌های بدوی می‌باشد. ایشان صاحب کرسی مردم‌شناسی اجتماعی در دانشگاه‌های انگلیس بودند. کتاب «شاخسار زرین» یک کتاب ساده نیست، بلکه یک مجموعه‌ی دوازده‌جلدی است که جلد اول آن در سال ۱۸۹۰ میلادی منتشر شد و بقیه جلد‌های آن در طی سال‌های بعد، به تدریج، به چاپ رسید. این یک کتاب مرجع است و هرکس که به خواهد در زمینه‌ی اسطوره‌شناسی و فرهنگ کار کند باید این مجموعه‌ی عظیم را به طور کامل بخواند. یکی از فرضیه‌هایی که توسط پرفسور فریزر مطرح شده است، ترکیب شدن مقام شاهی و مقام خدایی در یک نفر است که به نام «شاه - خدا» از او نام می‌برد. البته برای ما ایرانی‌ها که با پدیده‌ی «فر شاهنشاهی» آشناییم هضم این موضوع راحت است. پدیده‌ی «شاه - خدا» یعنی روح خدایی در

کالبد شاه حلول کرده است. چون این روح خدایی بر اجتماع و طبیعت فرمان می راند، پس سلامت و تندرستی شاه باید همیشه حفظ شود تا این روح خدایی، صدمه ای نبیند. بنابراین، شاه نباید پیر و ناتوان شود، زیرا کالبد پیر او باعث می شود که آن روح خدایی آزار ببیند و در نتیجه، جامعه و طبیعت دچار مصیبت و بدبختی شوند. بنابراین، در دوره ی مادرسالاری، شاه پیر را می کشتند و شاه جوانی به جای او بر تخت می نشاندند. پرفسور فریزر، این پدیده را به نام آیین شاه کشی نامیده است و در مجموعه ی دوازده جلدی خود، ردپای این آیین را در پنج قاره ی دنیا در بین بومیان وحشی و جوامع متمدن نشان داده است. ایشان معتقدند، که در دوره ی مادرسالاری، گرچه زنان شاه نبودند، اما مقام شاهی از طریق آنان به دست می آمد. یعنی پسر جوان بعد از کشتن شاه پیر می باید با ملکه ی بیوه ازدواج کند تا بتواند به تخت سلطنت بنشیند.

#### ۴ - ترکیب عقده اودیپ با آیین شاه کشی

در آیین شاه کشی، گاهی به جای جوانی غریبه، پسر خود پادشاه، پدر خود را می کشت و با ملکه که مادر او بود ازدواج می کرد و به تخت سلطنت می نشست. در این جا زنا با محارم و عقده ی پدر کشی با آیین شاه کشی در هم آمیخته است. این بنده در مقاله ی «عقده ی اودیپ و آیین شاه کشی: تاملاتی در منظومه های عاشقانه ی ادبیات فارسی» سعی کرده ام که رد پای عقده ی اودیپ و آیین شاه کشی را در پنج شاهکار غنایی ادبیات فارسی نشان بدهم. البته، اثبات آیین شاه کشی در این آثار بسیار راحت تر و آسان تر بود. زیرا از طرف شاعر منظومه سرا هیچ مقاومت روانی به چشم نمی خورد.. اما در مورد اثبات عقده ی اودیپ، کار به مراتب دشوار تر بود، زیرا شاعر نمی خواهد به طور علنی و خود آگاه بگوید که او می خواهد با مادر خود جماع کند. بنابراین، نقش مادر را با برون افکنی و «جابجایی» عوض می کند. اما موضوعی که او را لو می دهد این است که همه ی معشوقه های این منظومه ها بدون استثنا مانند، مادر شاعر، زنانی شوهر دارند و تمام عاشقان نیز مانند خود شاعر پسران جوانی اند که به زنی شوهر دار عشق می ورزند. نکته ی دوم که شاعر را لو می دهد، باکره بودن این زنان شوهر دار است. شاعر ناخود آگاه آرزو می کند که مادر با پدر جماع نکند و خود را برای پسر نگاه بدارد. شاعر این آرزو را در مورد زنانی که در منظومه های خود آفریده است برون افکنی می کند. این زنان از شوهران خود که همان پدر شاعر باشد متنفرند و با او جفتگیری نمی کنند و باکره می مانند. این بنده در همان مقاله راجع به این موضوع به تفصیل سخن گفته ام و برای جلوگیری از اطاله ی کلام علاقمندان را به آن مقاله ارجاع می دهم.

\*\*\*\*

## منابع و مأخذ:

- Bachofen, Johann Jakob, 1815-1887. Mutterrecht und Urreligion. English. Myth, religion, and mother right; selected writings of J. J. Bachofen., Translated from the German by Ralph Manheim. With a pref. by George Boas and an introd. by Joseph Campbell. New Jersey, Princeton University Press , [1967] lvii, 309 p. illus. 24 cm. (UCD call number D7 .B2713 c.1)
- Morgan, Lewis Henry, 1818-1881. Ancient society,, by Lewis H. Morgan. Edited by Leslie A. White Cambridge, Belknap Press of Harvard University Press, 1964 xiv, 471 p. facsim. 25 cm (UCD call number JC21 .M67 1964 c.1)
- Engels, Friedrich, 1820-1895. Ursprung der Familie, des Privateigentums und des Staats. English. The origin of the family, private property and the state /, Friedrich Engels ; introd. by Michèle Barrett. Harmondsworth, Middlesex, England : Penguin Books ; New York, N.Y. : Viking Penguin, 1985. 235 p. ; 20 cm.
- Frazer, James George, Sir, 1854-1941. The golden bough; a study in magic and religion. 3d ed. [London, Macmillan and Co., limited, 1911-15] 12 v. front. 23 cm.
- Van den Berghe, Pierre L.. Human family systems : an evolutionary view /, Pierre L. van den Berghe. New York : Elsevier, c1979. viii, 254 p. ; 24 cm. (UCD call number GN480 .V18 c.1)
- Freud, Sigmund, 1856-1939. Totem und Tabu. English. Totem and taboo : resemblances between the psychic lives of savages and neurotics /, Sigmund Freud Amherst, N.Y. : Prometheus Books, 1999 p. cm.

\*\*\*\*

Matriarchy.vnf  
abbas.ahmadi@mailcity.com